

عنوان مقاله :

« مذاکرات هسته‌ای ایران و ایالات متحده آمریکا در عمان »

آزمودنِ آزموده یا ورقی نو؟

نویسنده:

محمود رشنواز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی ، دبی، امارات

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران قوه قضاییه)

۱۴۰۴/۰۱/۲۳

۱- مقدمه و طرح مساله

گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران به مجموعه‌ای از مذاکرات با حضور جمهوری اسلامی ایران و گروهی از قدرت‌های جهانی با هدف بررسی برنامه هسته‌ای ایران اشاره دارد. این گفتگوها پس از طرح ادعاهایی کذب و بی‌اساس، دروغین مبنی بر اینکه ایران در پوشش برنامه هسته‌ای غیرنظامی به دنبال قابلیت‌های تسلیحات هسته‌ای است، اهمیت یافت. جامعه بین‌الملل به‌ویژه گروه ۵+۱ (ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) و جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات گسترده‌ای شرکت کردند که به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ژوئیه ۲۰۱۵ ختم شد، که هدف از آن نظارت بیش از اندازه بر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در ازای لغو تحریم‌های اقتصادی بود. علیرغم پایبندی کامل جمهوری اسلامی ایران به این معاهده و موفقیت اولیه برجام که شامل اقدامات نظارتی و راستی‌آزمایی دقیق توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) بود، این توافق توسط کشور آمریکا و هم‌پیمانانش با بی‌عهدی و بی‌تعهدیشان با چالش‌های مهمی مواجه شده و در عمل اعتبار خود را از دست داده است. لذا خروج و قانون شکنی و عدم پایبندی یکطرفه‌ی ایالات متحده از توافق در ماه مه ۲۰۱۸ در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، اتفاق مهمی را رقم زد و منجر به اعمال مجدد تحریم‌ها و متعاقب آن تشدید تنش‌ها بین ایران و آمریکا گردیده شد. البته با توجه به گوشزد های مقام معظم رهبری به دولت مردان وقف و تیم مذاکره کننده که فرموده بودند: این چنین بدقولی‌ها و نافرمانی‌ها از طرف آمریکایی‌ها بعید نبوده و نیست مورد توجه قرار نگرفت لذا با پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بحث هسته‌ای ایران مجددا در مرکز توجه قرار گرفته است و با اعلام و درخواست ترامپ جهت انجام مذاکره در ارتباط با موضوع اتمی ایران، کشور عمان به عنوان میزبان مذاکرات غیر مستقیم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده در روز شنبه، ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ (۱۲ آوریل ۲۰۲۵) انتخاب شده است. این نوشتار تلاش خواهد کرد به تحلیل و بررسی تاریخی‌چهی، شکل و ساختار این مذاکرات، اهداف و خواسته‌های طرفین و شانس موفقیت این مذاکرات پرداخته و به این سوال تحلیل پاسخ دهد که آیا برگزاری مجدد چنین مذاکراتی در قالب ضرب المثل «آزموده را آزمودن خطاست» قرار گرفته و اصولا فاقد منافع درخور توجه برای جمهوری اسلامی ایران می باشد یا اینکه این مذاکرات بابتی نو برای فروکش کردن بحران ساختگی و توهّمات غربی‌ها حول برنامه‌ی هسته‌ای ایران می‌باشد؟

زمینه تاریخی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و مذاکرات بین‌المللی پیرامون آن پیچیده و چندوجهی است. «دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز» عامل تاثیرگذار مهمی برای جمهوری اسلامی ایران در جهت دنبال کردن برنامه‌ی هسته‌ای خود بوده است. برنامه‌ی هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران به دلیل مواضع سیاسی خصمانه و بدبینانه‌ی کشورهای اروپایی، ایالات متحده و رژیم غاصب صهیونیستی، عامدانه به بحرانی طولانی با هدف فشار بر جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. اعم این اهداف را می‌توان جلوگیری از پیشرفت و توسعه دانش بنیادی این علم نزد ملت ایران و همچنین اعم استفاده این دانش هسته‌ای در امور پزشکی و نیروگاهی و غیره و همچنین عدم خودکفایی کشور ما نام برد. این وضعیت زمینه‌ای را ایجاد کرد که منجر به مذاکرات ۵+۱ شد و به توافق جامع هسته‌ای در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ انجامید. این توافق پس از بیش از یک دهه تلاش به عنوان یک پیشرفت مهم تلقی می‌شد. در ۸ می ۲۰۱۸، دونالد ترامپ تصمیم گرفت به طور یکجانبه از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بین ایالات متحده و ایران و پنج کشور دیگر خارج شود. رئیس‌جمهور وقت آمریکا همچنین سیاست «فشار حداکثری» بر ایران را اعلام نمود و تلاش کرد از طریق شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه تهران و اجماع جهانی علیه ایران را ایجاد کند و مکانیسم ماشه را فعال و تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را مجدداً بازگرداند که در این زمینه شکست خورد. زیرا توهّمات و مشاوران بی‌سواد و بی‌تدبیر ترامپ نمی‌دانستند بحث انگیزشی و اعتقادی ملت ایران با چنین فشارها تغییر و تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران به مدت یک سال با وجود خروج ترامپ و بدعهدی و عدم پایبندی به تعهدات کشورش و همچنین علیرغم مخالفت اروپایی‌ها با سیاست‌های ترامپ نسبت به برجام، تعهدات برجامی و بازرسی‌ها طبق مفاد برجام را انجام داد تا جامعه جهانی و بین‌المللی بدانند که کشور ایران و سیاست‌های آن براساس حسن انجام تعهدات بوده و همچنان پایبند می‌باشد اما نهایتاً تصمیم به کاهش تدریجی و پنج مرحله‌ای تعهدات برجامی خود گرفت. نخستین گام توقف فروش ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ذخایر آب سنگین بود و پنجمین گام توقف تمام محدودیت‌های عملیاتی ایران در برجام در ۱۴ آبان ۹۸ بود. جو بایدن با پیروزی در انتخابات ۲۰۲۰، مذاکرات با ایران را آغاز کرد. مذاکرات برای احیای برجام سه ماه به طول انجامید اما به دلیل زیاده‌خواهی‌ها و این که خود ایشان هم زیاد به تعهدات کشورش نسبت به تصمیمات آینده در این موضوع اطمینان نداشت نهایتاً نتیجه‌ای حاصل نگردید. مذاکرات در دولت آیت‌الله شهید ابراهیم رئیسی هم به صورت غیر مستقیم دنبال شد که این مذاکرات هم با توجه به اینکه حضرت آیت‌الله شهید ابراهیم رئیسی مبنای آن را نقطه نظرات و

رهنمودهای مقام معظم رهبری و همچنین سیاستهای مدبرانه ی ایشان قرار داده بود و در مقابل آمریکایی ها در پذیرش این درایت کوتاه نیامدند و همچنین با شهادت ریاست محترم جمهور ناتمام ماند. حال با اتمام دوره ریاست جمهوری بایدن و آغاز دور دوم دولت ترامپ که خود با بدعهدی و برخلاف قطعنامه‌ی سازمان ملل یکطرفه از برجام خارج شد، مذاکره با جمهوری اسلامی ایران را مطرح نموده است و این مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران دوباره با درخواست آمریکا مطرح گردید و این مذاکرات به صورت غیر مستقیم و در کشور عمان در ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ برگزار خواهد شد.

۳- مذاکرات عمان (۲۳ فروردین ۱۴۰۴)

مذاکرات بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده که قرار است در ۱۲ آوریل ۲۰۲۵ در عمان برگزار شود نشان دهنده یک مقطع حساس در روابط تاریخی این دو کشور می باشد که با دهه‌ها خصومت آمریکا نسبت به ایران مشخص می‌شود. این مذاکرات در پس زمینه تشدید خصومت‌ها، به ویژه پس از درگیری مستقیم نظامی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۴ و حمله ددمنشانه رژیم کودک‌کش صهیونیستی به غزه و لبنان و ترور و شهادت رهبران حماس و حزب الله لبنان صورت می‌گیرد. از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران با پیامدها و تجربیات توافقات گذشته به ویژه برنامه جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ (برجام) و خروج یکطرفه و پیمان شکنی ایالات متحده از آن در سال ۲۰۱۸ دست و پنجه نرم می‌کند، هدف این مذاکرات باید رسیدگی به مسائل طولانی مدت پیرامون بحران ساختگی برنامه هسته ای ایران، تعیین چارچوبی برای ادامه مذاکرات و مشخص کردن ضمانت اجرایی قابل اعتماد جهت استمرار پایبندی آمریکا به عنوان طرف بدعهد و پیمان شکن باشد. بر اساس اطلاعاتی که سایت‌های خبری منتشر نموده‌اند این مذاکرات به صورت تبادل متن نوشته شده بین طرفین با وساطت بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان انجام خواهد شد.

۴- راهبرد و اهداف ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات عمان ۲۰۲۵

ترامپ متوهم در یک سخنرانی اعلام کرد که ایالات متحده در دولت او به "صلح از طریق قدرت" اعتقاد زیادی خواهد داشت. در این راهبرد واشنگتن به استفاده از سیاست‌های نظامی برای دستیابی به نتایج سیاستی اقدام می‌کند. این الگو در حال حاضر در روابط واشنگتن و تهران در حال استفاده می‌باشد. هر چند که در طول چهل سال نمونه این سیاستها در رابطه با کشورمان بی اثر بوده است ترامپ خواستار مذاکره با ایران در مورد برنامه هسته‌ای کشور ایران شده و همزمان تهدیداتش

بر علیه ایران را تشدید کرده است و هشدار داده است که گزینه نظامی در ارتباط با ایران روی میز می‌باشد. او بازگشت به استراتژی «فشار حداکثری» را اعلام کرده و به سرعت تحریم‌های جدیدی را اعمال کرد که انتقال نفت ایران به چین را هدف قرار داد. تحریم‌های مالی علیه افراد و نهادهای کشورمان از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا اعمال شده است. روابط ترامپ و ایران پارادوکس‌های عجیبی را در طول این دوره آشکار کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در ۶ مارس از ارسال نامه‌ای به مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (مدظله) رهبر ایران و مسلمانان جهان خبر داد در آن درخواست مذاکره دوجانبه با مهلت دو ماهه ای برای دستیابی به توافق هسته‌ای شد اما مقاومت ایران نشان دهنده این است که این استراتژی صلح از طریق قدرت نظامی قابلیت کار بست به ایران را ندارد و باید ایشان در ابتدا با ادبیات درست حتی درخواست مذاکره را بیان کند. لذا آنگاه بر سر مستقیم بودن و غیر مستقیم بودن مذاکرات طرف تعیین کننده کشور ایران شد تازه این درخواست مورد بررسی قرار گرفت و در همین حال، جمهوری اسلامی ایران یک سیاست چند وجهی را دنبال می نماید که شامل عدم رد مذاکره و همزمان ادامه فرآیند غنی‌سازی اورانیوم و هشدارهای صریح مبنی بر اینکه هرگونه تهدید نظامی آمریکا مستقیماً منافع ایالات متحده و رژیم غاصب صهیونیستی و نوکران و جیره خوارانش را در سراسر منطقه به خطر خواهد انداخت. همچنین ایران در ۷ مارس ۲۰۲۴ اعلام کرد که هیچ پیام کتبی دریافت نکرده است. تا اینکه در ۱۲ مارس ۲۰۲۵ انور قرقاش مشاور دیپلماتیک رئیس‌جمهور امارات برای تحویل نامه‌ی ترامپ به عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران وارد تهران شد. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در ۲۱ مارس ۲۰۲۵ تأکید کردند: "آمریکایی‌ها باید بدانند که تهدید در مقابله با ایران کارساز نخواهد بود." عراقچی، وزیر امور خارجه، ۶ اسفندماه ۱۴۰۴ با بیان اینکه ایران از طریق عمان پاسخ رسمی داده است، تصریح کرد: پاسخ رسمی ما شامل توضیح دیدگاه ما در خصوص وضعیت فعلی و نامه این شخص است و همچنین رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان در ۱۱ مارس ورود به مذاکره تحت تهدید را قاطعانه رد کرد.

بعد از ذکر راهبردهای ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در این برهه از زمان در ارتباط با هم در بحث موضوع هسته‌ای ایران به این موضوع می‌پردازیم که ایران و آمریکا چه اهدافی را دنبال می‌کنند و چرا جمهوری اسلامی ایران در عین عدم رغبت کافی جهت ورود به این مذاکرات با ترامپ با مذاکرات مستقیم مخالفت کرده و خواهان مذاکرات غیر مستقیم می باشد؟

یکی از اهداف اصلی سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده آمریکا حفاظت از رژیم صهیونیستی (سگ نگهبانش) و جنایت هایش نسبت به مظلومان و مسلمانان منطقه دارد می‌باشد که این سیاست در همه‌ی دولت‌های دموکرات و جمهوری خواه در صدر اولویت‌های سیاست خارجی قرار داشته است. در دولت اول ترامپ این حمایت به بالاترین حد خود رسیده و با انتقال پایتخت به قدس نمایان شد. یکی از دلایل اصلی خروج ترامپ از برجام هم تحریک‌های رژیم صهیونیستی و مخالفت این رژیم کودک‌کش با توافقنامه برجام بود. برچیده شدن برنامه‌ی هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران که به زعم ایالات متحده دارای رویکردی تسلیحاتی می‌باشد در راستای حمایت از امنیت و بقای رژیم صهیونیستی است. هدف احتمالی دوم آمریکا در مذاکرات عمان ارتباط دادن برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران با این مذاکرات می‌باشد که این اقدام هم با توجه به عملیات‌های موفقیت آمیز موشکی ایران در حمله به پایگاه‌ها و مراکز نظامی رژیم صهیونیستی (عملیات‌های وعده صادق ۲۱) که در نیمه‌شب ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ (۱۳ آوریل ۲۰۲۴) و ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ با موفقیت انجام شدند، با هدف از بین بردن توان موشکی جمهوری اسلامی ایران مطرح خواهد شد. هدف سوم آمریکا از مذاکرات فعلی عمان تلاش برای کاهش نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه می‌باشد که تحت عنوان «کاهش حمایت از نیروهای نیابتی» بارها مطرح شده و جمهوری اسلامی ایران ضمن رد این ادعای پوچ بر حمایت از نهضت‌های اسلامی بر اساس اصول قانون اساسی تاکید نموده است زیرا کلیه ی این نیروها بخشی از نیروهای آزادی بخش هرکشوری بوده که در مقابل حکام ظالمان آن منطقه همیشه در مبارزه بودند. با توجه به شخصیت پوپولیست ترامپ تعیین کردن بازه زمانی محدود برای به نتیجه رسیدن این مذاکرات صرفا در قالب همین سیاست های عوام‌فریبانه قابل طرح می‌باشد، چرا که توافق برجام حاصل حدود ربع قرن مذاکره مداوم کشورهای مختلف بود که ترامپ با یه اقدام مغایر قوانین و مقررات حقوق بین الملل به صورت یکجانبه از آن خارج شد.

از طرفی دیگر جمهوری اسلامی ایران برخلاف گذشته که دولت مردانش خود را سیاست مدار و مدبر در زمینه مذاکرات میدانستند این بار نیز با استفاده از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران و عموم جهان به عنوان چراغ راهنمای مذاکرات، با داشتن اهداف و راهبرد خاص خود وارد این مذاکرات شده است. وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران این مذاکرات را «تلاشی واقعی برای شفاف‌سازی مواضع و گشودن پنجره‌ای به‌سوی دیپلماسی» تلقی نموده و در قالب چارچوب‌های مدنظر مقام معظم رهبری وارد این مذاکرات شده و این مذاکرات را فرصت و آزمون قلمداد کرده است که میزان جدیت طرف آمریکایی برای توافق را مشخص خواهد نمود.

حال باید به این سوال پاسخ داده شود که چرا با وجودی که همه محافل دیپلماتیک مذاکره مستقیم را سودمند تر از مذاکره غیر مستقیم معرفی کرده‌اند این سطح از مذاکرات به درخواست جمهوری اسلامی ایران غیر مستقیم برگزار شده و اصلاً چرا با وجود خروج ترامپ از برجام مجدداً به میز مذاکره با این فرد پیمان شکن و دروغگو بازگشته است؟

عباس عراقچی وزیر خارجه و مسئول مذاکرات عمان ۲۰۲۵ بیان نموده است که «انتخاب مذاکره غیر مستقیم، انتخابی راهبردی است». وی با اشاره به انجام همزمان این مدل از مذاکره توسط ایالات متحده در جنگ اوکراین بیان می‌کند که «پیگیری مذاکرات غیرمستقیم نه یک تاکتیک است و نه بازتاب یک گرایش ایدئولوژیک، بلکه انتخابی راهبردی است که بر پایه تجربه اتخاذ شده است. ما با دیواری بزرگ از بی‌اعتمادی مواجه هستیم و نسبت به صداقت نیت‌ها تردیدهای جدی داریم؛ تردیدهایی که با اصرار ایالات متحده بر از سرگیری سیاست «فشار حداکثری» پیش از هرگونه تعامل دیپلماتیک، تشدید شده‌اند». اتخاذ این راهبرد در این مرحله از مذاکرات در واقع پاسخی به خروج یکطرفه ترامپ از برجام می‌باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در ارتباط با دعوت و نامه نگاری ترامپ جهت مذاکره در ارتباط با موضوع هسته‌ای این اقدام را «فریب افکار عمومی جهان» معرفی کردند و فرمودند که این شخص با پیمان شکنی و بی‌تعهدی و بی‌اخلاقی قبلاً از معاهده برجام خارج شده و این آمادگی فعلی در جهت این هدف است که بیان کند ما آمادگی مذاکره داریم اما ایران قبول نمی‌کند. در ارتباط با اهداف جمهوری اسلامی ایران از برگزاری این مرحله از مذاکرات در عمان می‌توان گفت در کنار بی‌اثر کردن سیاست مقصر جلوه دادن ایران جهت عدم برگزاری مذاکرات تحت رهنمودهای مقام معظم رهبری، که سالهاست تجربه چندین رئیس جمهور آمریکا و پیمان شکنی‌ها و بدعهدی‌های آنها را داشته و کاملاً واقف بوده و اشراف دارد. عدم فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد با شیطنت‌های طرف‌های غربی و سگ نگهبانش رژیم کودکش صهیونیستی و حل اساسی موضوع هسته‌ای، عدم ارتباط این مذاکرات با مباحث موشکی و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از دیگر اهداف جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات عمان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

این نوشتار تلاش کرد به این سوال تحلیل پاسخ دهد که آیا برگزاری مجدد مذاکراتی حول موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در عمان با وجود خروج ترامپ از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ در قالب ضرب المثل «آزموده را آزمودن خطاست» قرار گرفته و اصولاً فاقد منافعی درخور توجه برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد یا اینکه این مذاکرات بابتی نو

برای فروکش کردن بحران ساختگی حول برنامه‌ی هسته‌ای ایران می‌باشد؟ پژوهش ضمن بررسی معاهده برجام و دلایل خروج ترامپ از این معاهده به بررسی اهداف و راهبردهای فعلی ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با مذاکرات آوریل ۲۰۲۵ عمان پرداخته است. ترامپ با بکارگیری مجدد راهبرد «قدرت برای صلح» با حضور در این مذاکرات در جهت ایجاد فشار حداکثری بر ایران با هدف متوقف کردن و منهدم کردن دائمی برنامه هسته‌ای ایران، تضعیف و تخریب قدرت موشکی و بالطبع تضعیف حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران می‌باشد و در مقابل جمهوری اسلامی ایران که فتوای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای «مدظله العالی» را به عنوان پشتوانه‌ی برنامه‌ی صلح آمیز هسته‌ای خود دارد، حضور در این مرحله از مذاکرات را با هدف راستی آزمایی ادعای ترامپ و تشخیص میزان جدیت آمریکا در ارتباط با این موضوع مورد توجه قرار داده است و با اتخاذ راهبرد مذاکره غیر مستقیم ضمن تنبیه ترامپ به علت خروج از برجام گامی استوار در جهت حفظ برنامه‌ی صلح آمیز اتمی خود برداشته است که در صورت مشاهده رفتاری دال بر عدم وجود جدیت از طرف مقابل به راحتی و بدون هزینه مذاکرات را ترک خواهد کرد و آنگاه درس عبرتی بر آمریکایی‌ها و نوکرانشان خواهیم داد که دیگر بد عهدی و قانون شکنی را در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ملاک قرار ندهند و به نظرمی‌رسد نگاه راهبردی ایران به این مذاکرات با هدف ایجاد برگی نو در ارتباط با موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، اما با توجه به شخصیت پوپولیستی ترامپ که یک شومن و زورگو و مستکبر است و اهداف این کشور در ارتباط با مذاکرات حول برنامه‌ی اتمی ایران که توقف کامل آن و مباحث موشکی و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داده است، این مذاکرات به سان گزیده شدن از یک سوراخ تعبیر شوند و ما اشتباهات آزموده را مجدداً آزموده باشیم.

و در پایان به عنوان یک پژوهشگر کوچک در مسائل بین الملل منطقه معنقدم که در هر دو صورت در این مذاکرات ایران موفق خواهد بود اگر پیشنهاد شرافتمندانه و عادلانه باشد اصولاً با حذف تحریمها و ادامه‌ی راستی آزمایی کشورمان به برنامه صلح آمیز و دفاعی خود همانگونه که تاکنون بوده است ادامه میدهد و چنانچه پیشنهادات در این مذاکرات ظالمانه و غیراخلاقی و خلاف اصول و اعتقادات کشورمان که همانا خودکفایی و عدم وابستگی به غرب است مطرح گردد آنگاه در مقابل این بی منطق و تجاوز به حقوق بین المللی کشورمان که توسط آمریکا صورت می‌گیرد چیزی جز بی‌آبرویی و بدعهدی برای ترامپ در جهان حاصلی ندارد و کشورمان و مردان غیور آن مطمئن در مقابل این زورگویی خواهند ایستاد و درس عبرتی به آمریکا و سگ نگهبانش و همچنین متحدانش داده خواهد شد تا جوامع بین المللی ایران را به عنوان اولین کشور که در مقابل استکبار ایستادگی و مقابله نموده است بشناسند.



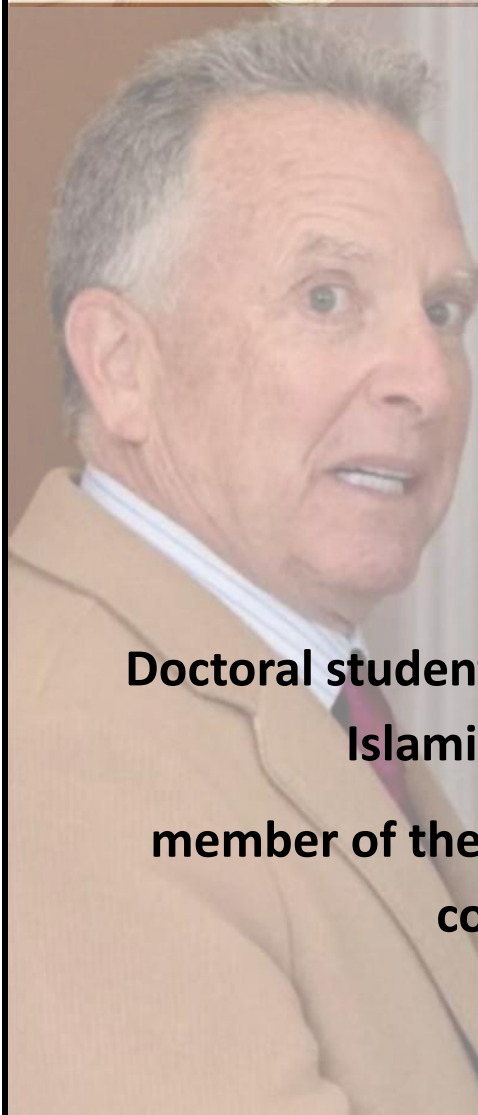
Title :

Iran-US nuclear talks in Oman

Testing the tried and tested or turning over a new leaf

the writer:

Mahmoud Reshnvaz



**Doctoral student of International Law, Emirates Branch,
Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official experts and
consultants of the judiciary**